

مقایسه و نقد دیدگاه دایرةالمعارف‌های اسلام، قرآن و ایرانیکا درباره‌ی اصالت دجال

مرضیه دژفر^۱
حامد نظرپور^۲

چکیده

خروج دجال در آخرالزمان از جمله مسائلی است، که مورد توجه مستشرقان قرار گرفته‌است. با توجه به اهمیت تأثیرگذاری دایرةالمعارف‌ها در معرفی یک مسأله، هدف از پژوهش حاضر بررسی اصالت دجال در دایرةالمعارف‌های اسلام، قرآن و ایرانیکا است. به این منظور مقاله حاضر، با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و استفاده از رویکرد مقایسه‌ای، به تحلیل، تبیین و نقد دیدگاه‌های این دایرةالمعارف‌ها بر اساس آموزه‌های اسلامی پرداخته است. ایبل و رابینسون برای دجال اصالتی قائل نبوده و بر این باورند که احادیث دجال، بازگو کننده‌ی افسانه‌های گذشتگان و متون مسیحی و یهودی است، اما الگار در این باره اظهار نظر قطعی نکرده، و تنها به توصیف احادیث دجال در متون اسلامی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که منابع، رویکرد و پیش‌فرض‌های نویسندگان در این مقالات تأثیر به‌سزایی در نتایج تحقیقات آن‌ها داشته‌است. برخی از استدلال‌های نویسندگان به دلیل مغالطه آمیز بودن، قابل نقد است. همچنین برخلاف ادعای رابینسون و ایبل که شباهت میان عناصر دینی را نشان‌گر اخذ و اقتباس این آموزه از ادیان قبلی می‌دانند، منشأ الهی و هدف مشترک ادیان در رساندن انسان به سعادت، می‌تواند عامل شباهت در آموزه‌های آن‌ها باشد.

واژه‌های کلیدی: دجال، دایرةالمعارف اسلام، دایرةالمعارف قرآن، دایرةالمعارف ایرانیکا، مهدویت.

۱. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان، (مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد) رایانامه: marziyehdezhfar@gmail.com

۲. استادیار ادیان و عرفان، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اهل البیت (علیهم‌السلام)، دانشگاه اصفهان، رایانامه: h.nazarpour@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام، در آخرالزمان از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی است، که همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان و دین پژوهان غربی قرار گرفته است. در میان مجموعه‌ی احادیث مهدوی، خروج و بروز برخی عناصر شرور در واپسین روزهای جهان توجه بسیاری از محققان را برانگیخته است. دجال از جمله‌ی این موجودات شرور به شمار می‌رود. علاوه بر مسلمانان، مستشرقان نیز در آثار خود به این شخصیت توجه نموده‌اند. در میان این آثار مقالات دایرةالمعارف‌ها از جایگاه مهم‌تری نسبت به سایر پژوهش‌ها برخوردارند؛ زیرا این آثار دائرةالمعارفی، منابع مرجع برای سایر پژوهش‌گران در موضوعات مختلف به شمار می‌آیند. از این رو می‌تواند تصویرگر اعتقادات اسلامی و شیعی در جهان باشد. از جمله دایرةالمعارف‌هایی که به مسأله دجال و اصالت آن پرداخته‌اند، دایرةالمعارف‌های اسلام (Abel, 1986: v. 2, pp. 76-77)، قرآن (Robinson, 2001: v. 1, pp. 107-111) و ایرانیکا (Algar, 2011) است.

هدف این مقاله، مقایسه‌ی تشابه و تفاوت دیدگاه‌های دایرةالمعارف‌های اسلام، ایرانیکا و قرآن درباره‌ی اصالت دجال و نقد و بررسی آن‌ها است. به این منظور نوشته الگار درباره‌ی دجال در دایرةالمعارف ایرانیکا، پژوهش رابینسون در مورد دجال در دایرةالمعارف قرآن و نوشته ایبل درباره‌ی دجال در دایرةالمعارف اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در این پژوهش با رویکرد تحلیلی و منطقی، دیدگاه‌های مختلف را در پرتو تحلیل مبانی، ساختار و لوازم منطقی آن‌ها بررسی خواهیم کرد. در این فرایند به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم که دیدگاه این مقالات درباره‌ی اصالت دجال چیست؟ شباهت یا اختلاف دیدگاه آن‌ها در این موضوع تحت تاثیر چه عواملی بوده؟ و چه نقدهایی بر دیدگاه آن‌ها وارد است؟

بر اساس جستجوهای انجام شده در منابع اطلاعاتی و سایت‌های نمایه مقالات همچون نورمگز، پژوهشی با موضوع این مقاله یافت نشد. از این رو وجه نوآوری این پژوهش واضح است. همچنین با بررسی‌های انجام شده مقاله‌ای با عنوان آسیب شناسی پژوهش نیل رابینسون درباره‌ی دجال (رضایی‌هفتادر و زاهدی فر، ۱۳۹۴: ش ۵۰، ص ۷-۱۸) به چاپ رسیده است. این مقاله بیشتر به بررسی ساختاری و سندی احادیث استفاده شده در مقاله‌ی رابینسون پرداخته است. همچنین در مقاله‌ی

«بررسی و نقد تصویر دجال در دایرةالمعارف ایرانیکا» (نظرپور و دژنفر، ۱۳۹۸: ش ۶۴، ص ۱۲۵-۱۴۴) به بررسی نقاط قوت و ضعف این مقاله پرداخته شده است. بنابراین تا کنون در هیچ پژوهشی به صورت مستقل به مسأله اصالت دجال در دایرةالمعارف‌های انگلیسی زبان و مقایسه آراء نویسندگان آن‌ها در این باره پرداخته نشده است. همچنین عوامل مؤثر در شکل‌گیری دیدگاه‌های نویسندگان دایرةالمعارف‌ها بررسی نشده است. بنابراین در این مقاله ابتدا به طور کلی به توصیف دیدگاه هر یک از این مقالات درباره‌ی اصالت دجال می‌پردازیم و آراء و ادله‌ی نویسندگان این مقالات را شرح و بررسی خواهیم کرد. آنگاه به تبیین علل مختلف وجوه افتراق و اشتراک و نقد دیدگاه‌های آن‌ها می‌پردازیم.

۱. بررسی و نقد دایرةالمعارف اسلام درباره‌ی اصالت دجال

ایبیل در مقاله‌ای تحت عنوان «دجال» در دایرةالمعارف اسلام به معرفی این شخصیت در منابع اسلامی پرداخته است. از نظر او واژه‌ی دجال سریانی است و در زبان عربی برای اشاره به شخصیتی با قدرتهای اعجاز‌گونه، استفاده شده است. همچنین او احادیث آخرالزمان اسلامی را افسانه‌هایی می‌داند که از ادیان و اسطوره‌های گذشتگان سرچشمه گرفته است. او برای این مدعای خود به مواظ حضرت عیسی علیه السلام برای حواریون در باب ۲۴ انجیل متی و ۱۳ مرقس استناد کرده است. وی همچنین مکاشفات یوحنا را در شکل‌گیری شخصیت دجال مؤثر می‌داند. ایبیل از مکاشفه‌ی بحیرا و شخصیتی به نام ابن هلاک نیز نام می‌برد که سرانجام به دست فرشته‌رعد کشته خواهد شد (Abel, ۱۹۸۶: v. ۲, pp. ۷۶- ۷۷).

در بخشی از این مقاله درباره‌ی اصالت دجال در متون اسلامی چنین آمده است: «این شخصیت در قرآن معرفی نشده است و در احادیث معرفی می‌شود. ابن حنبل افسانه‌های مربوط به الاغی که او بر آن سوار می‌شود، گناهکاران و ریاکارانی که در زمان او حضور دارند، پایان کار او در مقابل عیسی علیه السلام را بازگو می‌کند». همچنین نویسنده به الهامات قدیمی سیبلا و برخی از ویژگی‌های مشابه دجال با افسانه‌های گذشتگان، در سخنان کعب الاحبار استناد کرده است. از نظر ایبیل «بدنه‌ی افسانه‌ی دجال با بحث درباره‌ی منشأ او کامل می‌شود». به ویژه در زنجیر بودن او در یک جزیره‌ی دریایی برای نویسنده یادآور افسانه‌ی پرومئوس در یونان باستان است (Abel, ۱۹۸۶: v. ۲, pp. ۷۶- ۷۷). بنابراین، شواهد نشان‌گر آن است که ایبیل برای دجال اسلامی اصلتی قائل نیست.

به نظر می‌رسد تحلیل و بررسی مستندات ایبل در این نوشتار، به ارزیابی بهتر مدعیات وی درباره‌ی اصالت دجال منجر خواهد شد. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از متونی که ایبل برای اثبات غیر اصل بودن آموزه‌ی دجال به آن استناد می‌کند مواعظ عیسی عليه السلام در اناجیل درباره‌ی آخرالزمان است. در بخشی از آیات باب بیست و چهارم انجیل متی که مورد استناد نویسنده قرار گرفته‌است، حضرت عیسی عليه السلام به حواریون انذار می‌دهد که «مسیحان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی» (متی ۲۴: ۲۵). همچنین در بخش مکاشفات یوحنا که نویسنده به آن اشاره کرده‌است، چنین آمده‌است: «و دیدم وحشی از دریا بالا می‌آید که ده شاخ و هفت سر دارد و بر شاخ‌هایش ده افسر، و بر سرهایش نام‌های کفر است... و دیدم وحش دیگری را که از زمین بالا می‌آید و دو شاخ مثل شاخ‌های بره داشت و مانند اژدها تکلم می‌نمود... و به وی داده شد که آن صورت وحش را روح بخشد تا که صورت وحش سخن گوید و چنان کند که هر که صورت وحش را پرستش نکند، کشته گردد» (مکاشفه یوحنا: ۱۳: ۱-۱۵). چنین به نظر می‌رسد، که دلیل استناد ایبل به این آیات، شباهت با احادیث اسلامی است که دجال، اعمال خارق‌العاده همچون زنده کردن مردگان و ... انجام می‌دهد (مقدسی شافعی سلمی، ۱۴۲۸: ص ۳۴۱ و ۳۴۰)، این استدلال نویسنده قابل قبول نیست، زیرا وجود شباهت در دو مسأله همیشه نشان‌گر اخذ و اقتباس نیست. برای اثبات اخذ و اقتباس نیاز به دلایل و شواهد کافی است که در این مقاله ارائه نشده است. شباهت میان آموزه‌های ادیان ابراهیمی، می‌تواند به دلیل وجود منشأ واحد و حیانی در این ادیان باشد. همان‌گونه که این ادیان در آموزه‌های دیگری همچون منجی‌گرایی، توحید و... نیز بایکدیگر شباهت‌هایی دارند.

ایبل در بخشی از مقاله اصطلاح «ابن هلاک» در مکاشفه‌ی بحیرا را مشابه احادیث دجال در منابع اسلامی می‌داند که در آن سخن از خروج یک عنصر شرور در آخرالزمان است (Abel, ۱۹۸۶: ۷۰۲, pp. ۷۶-۷۷). این در حالی است که استناد به دیدار بحیرا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ملاحظاتی همراه است. بعضی از اندیشمندان اسلامی بر این باورند که احادیث مربوط به دیدار بحیرا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختلافات فراوانی با یکدیگر دارند. همچنین این حدیث، خبر واحد است و با دیگر مستندات تاریخی در تعارض است. به عنوان مثال در حدیثی نقل شده‌است که ابوطالب پس از دیدار با بحیرا، به سفارش او و برای حفظ جان حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ایشان را با بلال

به مکه باز گرداند (طبری، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۸۳۱). این در حالی است که سن بلال از پیامبر ﷺ کم‌تر بوده است و بنابراین فرستادن ایشان همراه بلال عقلایی نیست. بنابراین از نظر این گروه از متفکران اسلامی نمی‌توان به وقوع چنین حادثه‌ای یقین کرد. مخالفان این دیدگاه بر این عقیده‌اند که احتمالاً این اظهارات در زمان‌های بعد به این گونه احادیث اضافه شده‌اند (منفرد، ۱۳۹۳).

همچنین ایبل در این باره به کتابی خطی به نام مکاشفه‌ی بحیرا استناد کرده‌است. این کتاب در سه نسخه‌ی خطی به زبان‌های سریانی و عربی موجود است. دو روایت به زبان سریانی و یک روایت به عربی است. آرماند ایبل زمان تألیف این کتاب را مربوط به پایان قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری می‌داند. به طور کلی روایت‌های سریانی به آنچه مسلمانان از ملاقات پیامبر ﷺ و بحیرا نقل می‌کنند شباهت زیادی دارد. آنچه اهمیت دارد توجه به این نکته است که هیچ یک از این نسخ به وسیله‌ی خود بحیرا تألیف نشده است. در یکی از نسخه‌های سریانی راوی راهبی مسافر است که گفته می‌شود در زمان کهولت بحیرا با او دیدار کرده است. نقل می‌شود در این دیدار بحیرا داستان مواجهه‌ی خود با پیامبر ﷺ و پذیرش تعالیم او به وسیله‌ی ایشان را برای راهب بازگو کرده است. نویسنده به صراحت می‌گوید بحیرا چیزهایی را که اسماعیلیان «عرب‌ها» دوست داشتند برای آن‌ها پیشگویی کرد و قرآن را برای آن‌ها نوشت و به پیامبر ﷺ داد. راوی نسخه دیگر سریانی بر این عقیده است که هرچه را سرجیوس «بحیرا» می‌گفت کعب الاحبار تحریف می‌کرد. و آن چه اکنون مورد پذیرش مسلمانان است از آموزه‌های کعب است. سرجیوس عهد جدید و کعب عهد قدیم را به عرب‌ها آموختند. نسخه‌ی عربی به وسیله‌ی راهب جوانی به نام مرهب نقل شده است، که در اواخر عمر بحیرا با او دیدار می‌کند. این روایت با نسخه‌های اسلامی و سریانی تفاوت زیادی دارد. پیامبر ﷺ بنابر این قول به سبکی شاهانه به خانه‌ی بحیرا می‌رود. او رهبری گروهی از اعراب را برعهده دارد. و برای آموختن بسیاری از تعالیم بارها به وی مراجعه می‌کند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۶۳-۶۷).

چنان‌که بیان شد میان نسخه‌های مختلف این کتاب اختلاف وجود دارد. این امر نشان‌گر تحریفات مختلف در اصل این کتاب است. همچنین اندیشمندان غربی تاریخ نگارش این نسخه‌ها را در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم دانسته‌اند که سال‌ها با زمان ظهور اسلام فاصله دارد. همچنین محققان اسلامی نیز درباره‌ی دیدار بحیرا با پیامبر ﷺ مناقشاتی دارند. بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از این منابع در تحقیقات

علمی چندان صحیح نیست. حتی در صورت اثبات دیدار بحیرا با پیامبر ﷺ به دلیل تناقضاتی که میان نسخه‌های مختلف کتاب مکاشفه‌ی بحیرا وجود دارد، مراجعه به آن‌ها یقین آور نیست. و احتمال تغییر در این متون به دلایل مغرضانه به وسیله‌ی برخی از دانشمندان مسیحی هست. به نظر می‌رسد استفاده از این‌گونه منابع اعتبار مقاله و استدلال‌های نویسنده را دچار ضعف کرده است. بنابراین تنها به دلیل وجود شباهت میان آموزه‌های ادیان نمی‌توان حکم به اخذ و اقتباس داد.

در بخشی از مقاله دایرةالمعارف اسلام، نویسنده برای اثبات مدعای خود مبنی بر غیر اصیل بودن دجال در متون اسلامی به مکاشفات سیبیلایی استناد کرده‌است (Abel, ۱۹۸۶: v. ۲, pp. ۷۶- ۷۷). به طور کلی این مکاشفات، مجموعه‌ای از پیشگویی‌های قدیمی از قرن ۶ قبل از میلاد بوده است که بخش‌های زیادی از آن در آتش سوزی‌های قبل از میلاد از بین رفت. این نوشتارها در سال‌های بعد دوباره جمع‌آوری شد. آنچه اکنون در دسترس است بین سده‌های دوم تا ششم میلادی گردآوری شده است (Terry, ۱۸۹۹: p ۳). بنابراین استدلال نویسنده برای اثبات مدعای او کافی به نظر نمی‌رسد. زیرا به دلیل عدم دسترسی به نسخه‌های اصلی، احتمال تغییر و تحریف مطالب در آن بسیار زیاد است. همچنین شباهت سخنان کعب‌الاحبار به برخی از متون ادیان گذشته، در موضوع دجال، نشان‌گر جعلی بودن، شخصیت دجال در متون اسلامی نیست. زیرا احادیث دجال تنها به واسطه‌ی کعب‌الاحبار نقل نشده است. همچنین کعب‌الاحبار در نزد برخی از فرقه‌های اسلامی همچون شیعیان نیز مورد قبول نیست. بنابراین اگرچه تأثیر رواج اسرئیلیات به واسطه‌ی برخی از دانشمندان اهل کتاب، همچون کعب‌الاحبار غیر قابل کتمان است، اما این مسأله، نشان‌گر جعلی بودن اصل یک موضوع در آموزه‌های اسلامی نیست.

به نظر می‌رسد سخنان ایبل درباره‌ی منشأ دجال و محبوس بودن او در یک جزیره، و شباهت آن به داستان پرومتئوس، همان حدیث جساسه است که تمیم داری در این باره نقل کرده است. براساس این حدیث تمیم داری و گروهی از اعراب در یک سفر دریایی به جزیره‌ای ناشناخته می‌رسند آن‌گاه با موجودی خارق‌العاده و عظیم‌الجثه به نام جساسه روبه‌رو می‌شوند که مو تمام بدن او را پوشانده بود چنان‌که پیش و پس او معلوم نبود. جساسه آن‌ها را به سمت مردی عور راهنمایی می‌کند. او در حالی که در آن جزیره به بند کشیده شده بود، خود را دجال معرفی می‌کند که خروج کرده و همه‌ی جهان جز مدینه و مکه را به تصرف خود در می‌آورد (ابن حنبل، ۱۴۲۱،

ج ۴۵، ص ۶۱ و ۶۲).

این حدیث از نظر سند چندان قابل اعتماد نیست. فاطمه بنت قیس یکی از راویان این حدیث کسی است که اصحاب شوری در زمان خلیفه دوم در خانه‌ی او اجتماع کردند. بعضی همین موضوع را عامل وهن او دانسته‌اند. (طیبی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۳۴۹). تمیم نیز که راوی اصلی این حدیث است، از علمای اهل کتاب است که اعلام مسلمانی کرد و از اولین کسانی است که در زمان عمر به بیان قصص و داستان سرایی پرداخت (شهرستانی، ۱۴۰۹: ص ۲۷).

از سوی دیگر برخی از محققان براین باورند که احتمال حقیقی بودن بخشی از واقعیت‌های موجود در اسطوره‌های یونانی وجود دارد. این گروه برای حکمت و اساطیر یونان باستان منشأ الهی قائل هستند (شهرزی، ۱۳۷۲: ص ۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ص ۷۱-۷۲؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۸). همچنین برخی از متکلمان مسیحی نیز در گذشته نقش پرومتئوس در دزدیدن آتش از زئوس را مشابه نقش مار در داستان آدم و حوا و اعطای علم به آن‌ها دانسته‌اند (طالبی، ۱۳۸۵: ص ۴۱-۸۰). بنابراین با صرف نظر از ملاحظات سندشناسی این حدیث، شباهت میان داستان‌های یونانی و روایات ادیان می‌تواند نشان‌گر وجود برخی از حقایق مشترک در میان آن‌ها باشد.

۲. بررسی و نقد دایرةالمعارف قرآن درباره‌ی اصالت دجال

رابینسون در مقاله‌ی «ضد مسیح» به شرح برخی از مشهورترین احادیث دجال در متون اسلامی پرداخته است. از شیوه‌ی نام‌گذاری این مقاله، چنین فهمیده می‌شود که از دیدگاه رابینسون ضد مسیح همان دجال اسلامی است. او ابتدا به واژه‌شناسی دجال می‌پردازد. وی به صراحت می‌گوید: «این واژه تقریباً به طور قطع از دجال سریانی به معنای دروغین یا دروغگو گرفته شده است». او همین مسأله را نشان‌گر ورود این آموزه از مسیحیت به اسلام می‌داند. رابینسون اگرچه به برخی از دیدگاه‌های لغت‌شناسان عرب درباره‌ی معنای واژه‌ی دجال همچون «پوشاندن (شتر جرب گرفته) با قطران»، و «داشتن یک چشم و یک ابرو» اشاره می‌کند اما اغلب این معانی را بی‌پایه می‌داند (Robinson, ۲۰۰۱: ۷. ۱, pp. ۱۰۷- ۱۱۱).

نویسنده همچنین بر این باور است که عوامل مختلفی در شکل‌گیری شخصیت دجال اسلامی مؤثر بوده‌است. از نظر وی اگرچه در کتب مقدس یهودیان اشاره‌ی خاصی به ضد مسیح نشده است اما برخی از شخصیت‌های این متون در شکل‌گیری و

تطور شخصیت ضد مسیح نقش داشته‌اند. او برای اثبات این مدعا به «غول دریایی»، «دشمن فرشته‌گون»، «پیامبر دروغین» و «فرمانروای شرور» به عنوان پیشینه‌های یهودی ضد مسیح می‌پردازد. او در این باره می‌گوید: یهودیان همچون بابلیان و کنعانیان به غولی دریایی معتقد بودند که هنوز زنده است و سرانجام در جدالی آخرالزمانی به هلاکت خواهد رسید. منظور رابینسون از دشمن فرشته‌گون شیطان است که از نظر وی، یهودیان پس از ارتباط با ایرانیان به آن اعتقاد یافتند. شیطان یکی از فرشتگان مقرب الهی است که بعدها به عنوان موجودی شرور معرفی می‌شود. حکومت فرمانروای یونانی مآب سوریه و برپایی خدای یونانی زئوس در معبد یهودیان، در کتاب مقدس با عنوان «معصیت مهلک» یاد شده‌است. رابینسون یادآوری می‌کند که حکومت این فرمانروای شرور در کتاب دانیال به شکلی داستان‌گونه به آینده حواله داده شده است و مشخصه‌ی هفتاد هفته‌ی سال‌های آخر قبل از رجعت قوم الهی است. همچنین رابینسون به پیامبری دروغین اشاره می‌کند که بنا بر عهد قدیم با نشانه‌ها و غرایب مردم را گمراه می‌کند. او در مقابل پیامبری که اطاعتش واجب است، خروج می‌کند. رابینسون بر این باور است که پیامد چنین اعتقاداتی، سبب شکل‌گیری گروه‌هایی گردید که در انتظار ظهور یک یا چند پیامبر دروغین در آخرالزمان بودند (Robinson, ۲۰۰۱: ۷. ۱, pp. ۱۰۷- ۱۱۱).

نویسنده سپس به پس‌زمینه‌های مسیحی شکل‌گیری ضد مسیح می‌پردازد. از نظر وی «ویژگی‌های هر چهار شخصیت عهد قدیم، در مکاشفه یوحنا ادغام شده است، که به نظر می‌رسد مکاشفه‌ای در خصوص اتفاقاتی است که به طور حتم در آینده‌ای نزدیک رخ خواهد داد» (Robinson, ۲۰۰۱: ۷. ۱, pp. ۱۰۷- ۱۱۱). همچنین وی شایعات مبتنی بر بازگشت نرون که پادشاهی ستمگر بود را در صورت‌بندی مسیحی شخصیت ضد مسیح مؤثر می‌داند. در بخش پایانی این مقاله به ویژگی‌های ضد مسیح در روایات اسلامی پرداخته شده‌است. ویژگی‌های ابن‌صیاد، برخی از خصوصیات مرکب وی، رابطه‌ی فتح قسطنطنیه با خروج دجال، باران وی از جمله اموری است که در این بخش به آن‌ها اشاره شده‌است. اشاره به برخی از روایات تفسیری قرآن کریم در رابطه با دجال در این بخش از جمله نقاط قوت مقاله به شمار می‌آید. رابینسون بر این باور است که «خصلت عامیانه‌ی بیشتر این مطالب نشان می‌دهد که این مطالب را داستان‌گویان مسلمان، مدت‌ها پس از ظهور اسلام پدید آوردند. با وجود این، شکی نیست که پیامبر [ص] و اصحاب او به موضوع ضد مسیح توجه داشتند. دلیل این امر علاقه آنها به جمع‌آوری مجموعه معتبری از احادیث

بسیاری است که درباره ابن صیاد، فرد یهودی که ظاهراً به عرفان مرکوه گرایش داشت، نقل شده است. به علاوه، دشواری انطباق این احادیث با روایات دیگر شاهدهی بر جعلی نبودن آن‌هاست» (Robinson, ۲۰۰۱: v. ۱, pp. ۱۰۷-۱۱۱).

به نظر می‌رسد مستندات رابینسون در این مقاله قابل نقد است. او بدون ذکر دیدگاه‌های مفسران کتاب مقدس، غول دریایی را از پیش زمینه‌های شکل‌گیری دجال معرفی کرده است. این در حالی است که اغلب منابع تلمودی غول دریایی مورد نظر رابینسون را، به شخصیتی تمثیلی و حاکی از موجودات شرور تفسیر کرده‌اند (نامور مطلق، ۱۳۹۳: ص ۱۵۳). مفسران مسیحی نیز این موضوع را پذیرفته و این هیولای دریایی در دوران باستان را نماد اقوام خدا شناس دانسته‌اند (مک دونالد، ۱۴۰۰: ذیل اشعیا: ۲۷: ۱).

با توجه به تفسیر نمادین این موجود به وسیله‌ی مفسران کتاب مقدس و همچنین غیر عقلانی بودن تفسیر ظاهری مبنی بر وجود یک اژدها یا غول دریایی، چنین به نظر می‌رسد که اشتراک این غول دریایی با دجال در نقش‌های شرارت آمیز و دشمنی با صالحان است. به همین دلیل رابینسون غول دریایی را از پیش زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت دجال معرفی کرده است. این در حالی است که همان گونه که در بخش‌های قبلی گذشت، هر شباهتی نشان‌گر اخذ و اقتباس نیست. همان گونه که رابینسون به دلیل شباهت میان باور یهودیان به اسطوره‌های کنعانی و بابلی، حکم به تأثیر پذیری ادیان از این گونه اسطوره‌ها کرده است؛ این فرضیه نیز محتمل است که این اسطوره‌ها تحت تأثیر نیروهای شر که در همه‌ی ادیان آسمانی مورد تأکید قرار گرفته است، در زمان‌های بعدی و با تحریف ادیان، به اساطیری در میان عامه‌ی مردم تبدیل شده است. همان گونه که در دیگر آموزه‌های ادیان نیز چنین تحریفات روی داده است. به عنوان نمونه مراسم حج که از عبادات ادیان الهی برای پرستش خدای یکتا است در زمان جاهلیت به مراسمی برای پرستش بت‌ها تبدیل شده بود بنابراین به نظر می‌رسد ادله نویسنده در این باره کافی نیست.

به نظر می‌رسد که تفاوت نقش‌های شیطان در کتاب مقدس رابینسون را به این نتیجه رسانده است که شخصیت شیطان در دوره‌های مختلف تاریخی و تحت تأثیر اقوام و فرهنگ‌های گوناگون شکل گرفته است. نویسنده در این مقاله از عوامل احتمالی دیگر همچون، احتمال تحریف در کتاب مقدس، در تبیین نقش‌های مختلف شیطان، صرف نظر کرده است.

در مقاله‌ی آنتی کرایست، رابینسون از فرمانروایی شرور در عهد قدیم نیز سخن می‌گوید که در تطور شخصیت دجال مؤثر بوده است (Robinson, ۲۰۰۱: V. ۱, pp. ۱۰۷-۱۱۱). او در این باره به کتاب دانیال استناد می‌کند. از شخصیت‌های دیگری که از دیدگاه رابینسون در شکل‌گیری دجال نقش داشته‌است، پیامبری دروغین است که در کتاب تثبیه به آن اشاره شده‌است (Robinson, ۲۰۰۱: V. ۱, pp. ۱۰۷-۱۱۱). در هیچ یک از این موارد، به صراحت نامی از دجال ذکر نشده‌است. اگرچه وجود عناصر شرور در آخرالزمان به وسیله‌ی همه‌ی ادیان الهی تأیید شده‌است. اشتراک این گونه مفاهیم در میان ادیان مختلف، با توجه به هدف واحد آن‌ها یعنی هدایت به صراط مستقیم قابل توجیه است.

چنین به نظر می‌رسد که سخنان رابینسون درباره‌ی آموزه‌های مشترک ادیان، با پیش‌داوری نسبت به منشأ این ادیان همراه بوده است. او در سراسر مقاله می‌کوشد تا این نکته را ثابت کند که شخصیت دجال، طی قرون مختلف و در اثر مواجهه با اسطوره‌های باستانی همچون غول دریایی و یا مصائب اجتماعی همچون ترس از بازگشت نرون، شکل گرفته است. او به صراحت درباره‌ی احادیث اسلامی در این باره می‌گوید: «برخی از این ویژگی‌های دجال [در روایات اسلامی نیز تکرار می‌شود» (Robinson, ۲۰۰۱: V. ۱, pp. ۱۰۷-۱۱۱). در حقیقت، رابینسون، این فرضیه که احتمالاً ادیان مختلف به دلیل منشأ واحد دارای آموزه‌های واحد هستند را نادیده گرفته است. نویسنده اگرچه حداقل برخی از احادیث دجال در منابع اسلامی را غیر جعلی می‌داند اما، از عباراتی برای پیامبر و اصحاب ایشان استفاده می‌کند که گویای درک متفاوت از او در این روایات است. او در مورد پیامبر ﷺ می‌گوید: نسبت به این که آیا ابن صیاد دجال است یا خیر ظنین بود؟ همچنین بیان می‌کند که اصحاب و پیامبر ﷺ از موضوع دجال آگاهی داشته‌اند. چنین عباراتی گویای این مطلب است که او درک درستی از مقام انبیاء نداشته و علم آن‌ها را وام گرفته از گذشتگان و ظن و گمان می‌داند. به نظر می‌رسد، این نوع نگرش به متون دینی در چگونگی تحلیل این متون تأثیر گذار بوده است.

۳. دیدگاه دایرةالمعارف ایرانیکا درباره‌ی اصالت دجال

الگار در مقاله‌ی دجال به موضوعات مختلف پیرامون این شخصیت همچون واژه‌شناسی، نشانه‌های خروج دجال، علل گرایش به او، مکان خروج، ویژگی‌های جسمانی دجال و ... توجه کرده است. او برای نگارش این مقاله از منابع شیعه و سنی

استفاده کرده است. وی به صراحت از اصالت یا عدم اصالت دجال در این مقاله سخن نگفته است. اما به این نکته اشاره می‌کند که دجال «شخصیتی شرور در احادیث اسلامی است که گاهی به عنوان ضد مسیح تصور می‌شود» (Algar, ۲۰۱۱). به نظر می‌رسد او تلاش کرده است تا جانب بی‌طرفی در هریک از موضوعات مورد بحث در مقاله را رعایت کند. او دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی هر یک از این موضوعات را شرح و توصیف می‌کند. به عنوان نمونه الگار در بحث واژه‌شناسی دجال به اغلب دیدگاه‌ها در این باره اشاره کرده است. او ضمن توجه به دیدگاه لغت‌شناسان مسلمان درباره‌ی واژه‌ی دجال، بر این عقیده است که تعدد احتمالاتی که درباره‌ی ریشه‌شناسی این واژه به وسیله‌ی این اندیشمندان بیان شده است، موجب شک در ریشه‌شناسی این واژه‌است؛ اما تناسب معانی بیان شده با این واژه قابل توجه می‌باشد. وی دلیل این که گروهی از محققین، واژه‌ی دجال را سریانی دانسته‌اند، با عدم ذکر این واژه در قرآن، مرتبط دانسته‌است. این استدلال او قابل نقد است زیرا در هر زبانی واژه‌های دخیل موجودند، همان‌گونه که در قرآن کریم نیز واژه‌های غیر عربی به کار رفته است (سیوطی، بی‌تاریخ، ص ۶۸ و ۶۵). بنابراین وجود یک کلمه در قرآن نشان‌گر عربی یا غیر عربی بودن آن واژه نیست.

از نظر الگار احادیث دجال در منابع شیعه و سنی بسیار و اغلب متناقض‌اند. او همچنین معتقد است که تلاشی در جهت رفع این تناقضات از سوی دانشمندان مسلمان انجام نشده‌است. الگار همچنین در موضوع سرانجام دجال، به دیدگاه‌های شیعیان و اهل سنت توجه کرده‌است. او در این باره می‌گوید: «بر اساس برخی از احادیث اهل سنت، وظیفه کشتن دجال به مهدی علیه السلام داده شده است. و بر اساس همه‌ی احادیث شیعی مربوطه، دجال به وسیله‌ی «کسی که عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند، کشته خواهد شد» (Algar, ۲۰۱۱). او علت طرح دیدگاه اهل سنت در این باره را، نقش شرورانه و رقابت‌آمیز دجال با عیسی علیه السلام می‌داند، که به تقلید از او معجزاتی مانند درمان نابینا و جزامی را انجام می‌دهد. الگار همچنین دیدگاه شیعیان مبنی بر کشتن دجال به وسیله‌ی امام زمان علیه السلام را با نقش مهم آخرالزمانی ایشان مرتبط می‌داند (Algar, ۲۰۱۱). صحت و اعتبار این‌گونه تحلیل‌ها اگرچه به تنهایی قابل ارزیابی است، اما نشان‌گر سعی نویسنده در بی‌طرفانه بودن نوشتار است.

الگار همچنین در بخشی از مقاله به هویت دجال می‌پردازد. او ضمن بیان احادیثی که دجال را شخصیتی می‌داند که در آخرالزمان خروج می‌کند، به احادیث

ابن صیاد، در این باره اشاره می‌کند. او در این باره چنین می‌گوید: «تعداد دیگری از احادیث در مجموعه‌های شیعه و سنی موجود است که در آنها بیان می‌شود که او پیش از این در زمان پیامبر [ص] زنده بوده یا حداقل ظهور او قریب الوقوع به نظر می‌رسیده‌است. اغلب این احادیث پیرامون شخصیتی صحبت می‌کنند که در مدینه معروف به ابن صیاد (در برخی موارد ابن صائد) بود؛ شخصیتی که به نظر می‌رسد حتی پیامبر [ص] احتمال دجال بودن او را می‌داده است.» (Algar, ۲۰۱۱). او همچنین به بیان احادیثی می‌پردازد که بر اساس آنها، پیامبر ﷺ برای اطلاع از هویت حقیقی ابن صیاد به دنبال وی می‌رفته است (Algar, ۲۰۱۱). این گونه از احادیث با توجه به اتصال پیامبر ﷺ با منبع وحی اگرچه قابل مناقشه است، چنین به نظر می‌رسد که به منظور توصیف احادیث دجال در منابع اسلامی بیان شده است. بنابراین همان گونه که الگار خود در بخشی از مقاله بیان می‌کند از نظر وی «اغلب احادیث مرتبط با دجال، نتیجه قطعی را بیان نمی‌کنند و با هشدار پیامبر [ص] به امتش نسبت به دجال به عنوان «بزرگ‌ترین آزمایش از زمان خلقت آدم [ع]» و درخواست از خداوند برای پنهان کردن یا محدود کردن او تا آخر الزمان خاتمه می‌یابند» (Algar, ۲۰۱۱). بنابراین چنین به نظر می‌رسد که الگار در بیشتر موارد به توصیف احادیث دجال پرداخته و از قضاوت در این موضوع پرهیز کرده‌است.

۴. مقایسه، نقد و تبیین دیدگاه دایرةالمعارف‌ها درباره‌ی اصالت دجال

همان گونه که اشاره شد، ایبل و رابینسون دجال را واژه‌ای سریانی می‌دانند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که دجال تحت تأثیر افسانه‌های باستانی و کتب دینی پیشینیان وارد اسلام شده‌است. در این میان، الگار ضمن پرهیز از اظهار نظر قطعی درباره‌ی اصالت دجال، به توصیف احادیث اسلامی در این باره می‌پردازد. به نظر می‌رسد عوامل مختلفی در نتیجه‌گیری نویسندگان مؤثر بوده‌است. در ادامه به شرح، نقد و مقایسه‌ی هر یک از این موارد و چگونگی تأثیر گذاری این عوامل بر نویسندگان مقالات دجال در دایرةالمعارف‌های اسلام، قرآن و ایرانیکا می‌پردازیم:

۴-۱. منابع

یکی از عوامل تأثیر گذار در هر نوشتار، منابع مورد استفاده در آن نوشته است. هر اندازه یک منبع از وثاقت بیشتری برخوردار باشد، پژوهش ارزش علمی بیشتری خواهد داشت. همچنین استفاده از آثار نویسندگان با دیدگاه‌های مختلف، مانع از

یک‌جانبه‌گرایی پژوهشگر می‌شود. از این رو بررسی منابع مقالات مورد بحث، از اهمیت به‌سزایی در تحلیل آن‌ها دارد. درهمه‌ی مقالات مورد بحث در این نوشتار از منابع انگلیسی زبان استفاده شده است. نویسندگان مقالات معمولاً علاوه بر استفاده از کتاب‌های مختلف، از مقالات نیز در نوشتارهای خود بهره برده‌اند. به عنوان نمونه الگار از مقاله‌ی دجال در دایرةالمعارف اسلام استفاده کرده است رابینسون نیز به مقاله‌ای با عنوان احادیث ابن صیاد و افسانه‌ی دجال ارجاع داده است. ایبل نیز به مخاطبان پیشنهاد می‌کند برای اطلاعات بیشتر به مقاله‌ی وینسینک در دایرةالمعارف مختصر اسلام رجوع کنند. نویسندگان مقالات *دایرةالمعارف قرآن و اسلام* درباره‌ی دجال از مکاشفات سیبیلی و کتاب مقدس بهره برده‌اند. در نوشته‌های الگار و ایبل درباره‌ی دجال از منابع عربی نیز استفاده شده است. به عنوان نمونه الگار و ایبل، هر دو از کتاب صحیح بخاری حدیث نقل کرده‌اند.

درباره تفاوت‌های منابع باید گفت در میان مقالات بررسی شده، پروفیسور الگار بیشترین تعداد منابع را در پژوهش خود استفاده کرده است. نسبت منابع اسلامی نیز در این نوشتار بیش از مقالات دیگر است، او از کتب حدیثی شیعه همچون کمال الدین و تمام النعمة، *بحارالانوار* و *کشف الحق* بهره برده است. استفاده از آثار متفکران معاصر شیعه همچون محمد رضا حکیمی و شریعتی نیز از ویژگی‌های منحصر به فرد این مقاله است. استفاده از منابع عرفانی نیز در نوشتار الگار بیش از دیگر مقالات است. او از کتاب‌هایی چون *نزهت القلوب*، *مرصاد العباد* و *مرموزات اسدی* بهره برده است.

اغلب منابع مقاله‌ی ضد مسیح در دایرةالمعارف قرآن در زمینه‌ی ضد مسیح در مسیحیت است. برخی از این منابع درباره‌ی این موضوع نگاه منفی دارند. برای مثال کتاب «افسانه‌ی ضد مسیح» جانب بی طرفی را حتی در عنوان نیز رعایت نکرده است و دجال و ضد مسیح را افسانه نامیده‌اند.

ترجمه *مشکاة المصابیح* تنها منبع اسلامی است که رابینسون در میان منابع نوشتار خود از آن نام برده است. در حالی که تعداد احادیث دجال در منابع اسلامی به خصوص در میان اهل سنت بسیار زیاد است. نویسنده حتی در بررسی واژه‌شناسی دجال نیز به لغت نامه‌های عربی ارجاع نداده است.

در مقاله‌ی دجال در دایرةالمعارف اسلام، ایبل از مجموعه‌ای از کتب و مقالات انگلیسی و عربی استفاده کرده است. بیش از نیمی از آن‌ها، از آثار اندیشمندان مسلمانی چون مسعودی، بخاری، ابن عربی و .. است. در این میان تعداد آثار شیعی به



کار رفته بسیار کم‌تر از منابع سنی است. از میان منابع حدیثی متقدم اهل سنت، به کتاب‌هایی چون مسند احمد بن حنبل و صحیح بخاری ارجاع داده شده‌است. نویسندگان در این مقاله به منابع مسیحی همچون اناجیل متی و مرقس نیز استناد کرده‌اند. او در این نوشتار از برخی از نسخه‌های خطی همچون نسخه‌ی خطی مکاشفه‌ی بحیرا بهره برده‌است. در میان منابع این مقاله، علاوه بر کتاب‌ها، از یک مقاله در *دائرةالمعارف مختصر اسلام* نیز استفاده شده‌است. ایبل از هیچ یک از منابع حدیثی متقدم شیعی در موضوع آخرالزمان و مهدویت همچون *کمال‌الدین و تمام‌النعمة* یا *الغیبة نعمانی* و یا احادیث مهدوی در کتاب اصول کافی، استفاده نکرده‌است. در این نوشتار استفاده از منابع اینترنتی و سایت‌ها مشاهده نمی‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که دانش گسترده‌ی الگار درباره‌ی مبانی و متون اسلامی و عرفانی در استفاده از منابع مؤثر بوده‌است، همچنین بهره‌وری او از دیدگاه‌های عرفا، ناقلان حدیث، متفکران مسلمان و... سبب توجه به ابعاد مختلف موضوع دجال در مقاله‌ی الگار شده‌است. در مقایسه با الگار، مقالات رابینسون و ایبل توجه کم‌تری به منابع اسلامی و به خصوص آثار شیعی داشته‌اند. همین امر سبب محدودیت در فهم ابعاد مختلف دجال اسلامی شده‌است.

۴-۲. رویکرد نویسندگان مقالات

استفاده از رویکردهای مختلف در هر یک از مقالات مورد بحث منجر به ارائه‌ی تحلیل‌ها و نتایج متفاوت در آن‌ها شده‌است. ایبل در نوشتارهای خود از رویکرد تاریخی‌نگر استفاده کرده‌است. در این رویکرد نویسندگان بر این باور است که یک پدیده یا عقیده در طول زمان و تحت تأثیر حوادث تاریخی به وجود می‌آید، بنابراین متون مقدس را به عنوان یک امر قدسی تلقی نخواهد کرد. چنان‌که ایبل نیز در پی اثبات شکل‌گیری دجال در اثر حوادث تاریخی، بود. رابینسون با استفاده از رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای به توصیف موجودات شرور در میان ادیان مختلف پرداخته‌است. و در پایان ویژگی‌های دجال در متون اسلامی را بیان کرده‌است. رابینسون به دلیل وجود شباهت میان عناصر شرور در ادیان مختلف دجال را موجودی شرور معرفی می‌کند که مسلمانان از مسیحیان آموختند. در مقابل، الگار در مقاله‌ی دجال از رویکرد پدیدارشناسی استفاده کرده‌است. در این رویکرد پژوهشگر می‌کوشد تا روی آوردی نقادانه و ناظر به توصیف دقیق توأم با حس همدلی نسبت به پدیدارهای دینی داشته باشد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ص ۳۳۳). الگار نیز در این مقاله کوشیده‌است چنان‌که

لازمه‌ی رویکرد پدیدار شناسی است، به توصیف ابعاد مختلف دجال در متون اسلامی، بپردازد. همان‌گونه که گذشت وی در تحلیل‌های خود دیدگاه‌های فرق مختلف اسلامی را بیان می‌کند. به عنوان نمونه او ضمن بیان احادیث اهل سنت درباره‌ی کشتن دجال به دیدگاه شیعیان در این باره نیز اشاره کرده‌است. (Algar, ۲۰۱۱).

بنابراین رویکرد پدیدار شناسی، به نقل منصفانه‌تر این نوشتار کمک کرده است و مانع از پیش‌داوری‌های منفی در نوشتار الگار شده‌است.

۴-۳. پیش‌زمینه‌های فکری

انسان‌ها همواره در شرایط مختلف رشد و نمو داشته‌اند. همین مسأله ممکن است به شکل‌گیری پیش فرض‌هایی در ذهن محقق منجر شود که در نتایج تحقیقات وی اثر گذار باشد. پژوهشگران براین باورند که استفاده از پیش فرض‌ها همیشه نتیجه‌ی منفی در تحقیق نخواهد داشت. به عنوان نمونه همه‌ی ما در بررسی یک متن به صورت پیش فرض می‌پذیریم که نویسنده‌ی متن عاقل بوده‌است. اما اگر اصولی را که با معیارهای قطعی به اثبات نرسیده‌اند به عنوان پیش فرض بپذیریم، آن‌گاه احتمالاً در نتایج دچار اشتباه و خطا می‌شویم (عابدی سرآسیا و ذوقی، ۱۳۹۵: ص ۶۹). به نظر می‌رسد ایبل و رایبنسون در نگارش مقالات خود تا اندازه‌ای تحت تأثیر این‌گونه از پیش فرض‌ها بوده‌اند. به خصوص که نویسندگان در محیطی اغلب مسیحی زیست کرده‌اند. به عنوان مثال یکسان‌نگاری ضد مسیح در کتاب مقدس با دجال اسلامی به وسیله‌ی رایبنسون، احتمالاً به همین علت بوده‌است. همچنان‌که با توجه به نسبت دادن واژه‌هایی چون «افسانه» به احادیث آخرالزمانی اسلامی، به نظر می‌رسد اصالت نداشتن دین اسلام، به وسیله‌ی ایبل در تحلیل متون اسلامی به عنوان یک پیش فرض، پذیرفته شده‌است.

۴-۴. مغالطه‌ی منشأ

از جمله مغالطاتی که در مقالات این پژوهش به کار رفته است، مغالطه‌ی منشأ است. «منظور از این مغالطه آن است که برای رد یک عقیده یا سخن آن سخن یاعقیده را به فرد مذمومی نسبت می‌دهند قرآن کریم می‌فرماید کافران نیز از این روش در برابر پیامبر ﷺ استفاده می‌کردند و آموزه‌های اسلام و قرآن را اساطیر اولین می‌نامیدند (خندان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ مطففین: ۱۳).

در مقاله‌ی قرآن درباره‌ی دجال رایبنسون در سراسر نوشتار خود تلاش می‌کند تا

این موضوع را اثبات کند که دجال در پی قرون مختلف و تحت تأثیر اسطوره‌های بابلی، متون مقدس یهود و مسیحیت، شکل گرفته و آن‌گاه مسلمانان آن را از مسیحیان اقتباس کردند.

ایبل نیز اعتقادی به منشأ اسلامی یا وحیانی دجال ندارد. او به صراحت اساس نشانه‌های آخرالزمان که در منابع اسلامی بیان شده است را افسانه می‌نامد. و در این باره می‌گوید: «ظهور او یکی از نشانه‌های آخرالزمان است. خصوصیات که در افسانه‌های آخرالزمانی به او نسبت داده‌اند، ترکیبی است از ویژگی‌هایی که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در سخنانش برای حواریون بیان کرده است (متی ۲۴، مرقس ۱۳) و برخی عناصر از مکاشفه یوحنا اهل پاتموس» (Abel, ۱۹۸۶, ۷۶). او در ادامه ادبیات مکاشفه‌ای در میان اهل کتاب و سخنان افرائیم قدیس، مکاشفات بحیرا و سخنان متودیوس را از عوامل شکل‌گیری دجال معرفی می‌کند. او برای احادیث اسلامی که احمد بن حنبل بیان می‌کند اصالتی قائل نیست و می‌گوید: «ابن حنبل افسانه‌های مربوط به الاغی که او بر آن سوار می‌شود، گناهکاران و ریاکارانی که در زمان او حضور دارند، پایان کار او در مقابل عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را بازگو می‌کند» (همان).

بنابراین نویسندگان مقالات دجال در *دایرةالمعارف اسلام و قرآن*، دچار مغالطه‌ی منشأ شده‌اند. زیرا بدون آن که صدور احادیث دجال از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا ائمه‌ی اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام را بررسی کنند تا به منشأ این احادیث در متون اسلامی آگاه شوند، به دلیل شباهت‌های متون مختلف با احادیث دجال، بدون بررسی علل احتمالی دیگر در تبیین این شباهت‌ها، منشأ احادیث اسلامی در این باره را افسانه‌های گذشتگان دانسته‌اند.

این در حالی است که برخی از احادیث دجال در میان شیعه و سنی حاوی سند صحیح می‌باشند و بنابراین می‌توان به بیان آن‌ها به وسیله‌ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام یقین کرد. به عنوان نمونه در جلد پنجم از کتاب کافی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده‌است که از ایشان درباره‌ی زراعت پرسیدند. ایشان در پاسخ فرمود: «زراعت کنید که و الله کاری حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست. والله پس از خروج دجال نیز زراعت می‌کنند» (کافی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۲۶۰). سند این حدیث عبارت است از *مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَيِّبَةَ* که همه‌ی آن‌ها امامی و ثقة هستند بنابراین سند این حدیث صحیح است (نرم افزار درایة الحدیث نور). همچنین این حدیث سومین روایت ذکر شده در باب فضل زراعت است، با توجه به این که در کتاب کافی احادیث به ترتیب اعتبار سند ذکر شده‌اند به نظر می‌رسد این حدیث مورد

و ثوق مرحوم کلینی بوده است. اگرچه در این حدیث تنها نام دجال برده می‌شود اما می‌توان اطمینان یافت که به اجمال موضوع دجال به وسیله‌ی اهل بیت علیهم‌السلام مطرح شده است. همچنین آیت الله مکارم شیرازی نیز حدیث نقل شده به وسیله‌ی ترمذی درباره‌ی انذار همه‌ی پیامبران درباره‌ی دجال را صحیح دانسته‌است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۵). بنابراین اگرچه ورود احادیث جعلی به منابع اسلامی در این باره محتمل است، اما وجود احادیث جعلی در یک موضوع نشان‌گر جعلی بودن اصل آن موضوع نیست.

نتیجه

مقایسه و بررسی دیدگاه دایرةالمعارف‌های اسلام، قرآن و ایرانیکا درباره‌ی اصالت دجال، نشان‌گر آن است که مستشرقین در مواجهه با این موضوع در منابع اسلامی دریافت‌های یکسانی ندارند. و در برخی از موارد دیدگاه‌های آن‌ها قابل نقد است.

ایبل و رابینسون، بر خلاف الگار، به صراحت درباره‌ی اصالت دجال اظهار نظر می‌کنند، آن‌ها بر این باورند که شخصیت دجال در متون اسلامی فاقد اصالت است. ایبل به وضوح این شخصیت را ترکیبی از مواعظ کتاب مقدس، افسانه‌های پیشینی پرومتئوس، مکاشفات سیبلا و سخنان کعب الاحبار می‌داند. از نظر رابینسون مسلمانان در مواجهه با مسیحیان با آموزه‌ی دجال آشنا شدند. اما وی بر این باور است که این آموزه، در مسیحیت نیز فاقد اصالت دینی است و شرایط اجتماعی سبب شد تا شخصیت‌های عهد قدیم، همچون غول دریایی، دشمن فرشته‌گون، فرمانروای شرور و پیامبر دروغین با یکدیگر ادغام شوند و به این گونه دجال مسیحی صورت‌بندی شد. در این میان الگار ضمن بیان احادیث دجال به وجود برخی تناقضات میان آن‌ها تصریح می‌کند، اما بر این عقیده است که نمی‌توان از اغلب احادیث دجال در متون اسلامی نتایج قطعی به دست آورد.

بررسی‌ها نشان داد که عوامل مختلفی همچون منابع مورد استفاده، رویکرد نویسندگان در مقالات مورد بحث، پیش‌فرض‌های آن‌ها، وجود برخی مغالطات در استدلال‌ها همچون مغالطه‌ی منشأ، در تحقیقات و نتایج آن‌ها مؤثر بوده است.

در مقاله‌ی حاضر به برخی از احادیث صحیح اسلامی درباره‌ی دجال اشاره شد، این احادیث شاهده‌ی بر اصالت دجال در متون اسلامی است. و بنابراین ناقض دیدگاه‌های رابینسون و ایبل در این باره به شمار می‌آیند.

برخلاف ادعای رابینسون و ایبل که شباهت میان عناصر دینی را نشان‌گر اخذ و اقتباس می‌دانند، منشأ الهی و هدف مشترک ادیان در رساندن انسان به سعادت و انداز از موانع پیش روی این هدف، می‌تواند به عنوان عامل شباهت در آموزه‌های آنها تلقی شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. کتاب مقدس.
۲. ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱): مسند، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۳. خندان، علی اصغر (۱۳۸۴)، *مغالطات*، چاپ ششم، قم، بوستان کتاب.
۴. رضایی هفتاد، حسن و سیفعلی زاهدی فر (۱۳۹۴)، *آسیب شناسی نیل رابینسون در باره‌ی دجال*، «فصلنامه‌ی مشرق موعود»، ش، ۵۱، صص ۸-۱۸.
۵. سمرقندی، محمد بن احمد (بی تا)، *بحرالعلوم*، بی جا.
۶. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب*، بی جا، مطبعة فضالة.
۷. شهرستانی، جواد (۱۴۰۹)، *مقدمه‌ی کتاب وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه‌ی آل بیت علیهم السلام.
۸. شهروزی، محمد بن محمد (۱۳۷۲)، *شرح حکمة الاشراق*، حسین ضیایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. طالبی، مسعود (۱۳۸۵)، *نقش کتاب مقدس و ارباب کلیسا در ظهور فمینیسم*، ۳ فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۲.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۱۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
۱۲. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۸)، *تا ظهور*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۱۳. عابدی سرآسیا، علیرضا و سمیه ذوقی (۱۳۹۵)، *بررسی تأثیر پیش فرض‌ها در فهم و راه‌های کنترل آن‌ها از منظر هرمنوتیک فلسفی و علوم اسلامی*، مطالعات اسلامی - فقه و اصول، ش ۱۰۴، صص ۶۵-۹۰.
۱۴. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵)، *روش شناسی مطالعات دینی* (تحریری نو)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۵. کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۶)، *سیره پژوهی در غرب*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۱۷. مقدس شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸)، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*، قم، مسجد مقدس جمکران.

۱۸. مک دونالد، ویلیام، (۱۴۰۰)، *تفسیر کتاب مقدس*، www.razgah.com.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، *حکومت جهانی حضرت مهدی* علیه السلام، چاپ پنجم، قم، نسل جوان.
۲۰. منفرد، افسانه (۱۳۹۳)، *بحیرا*، دانشنامه‌ی جهان اسلام <https://rch.ac.ir/article/Details/اسلام>.
۲۱. نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۳)، *اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد نورتروپ فرای از کالبد شناسی نقد تا رمز کل*، تبریز، موغام.
۲۲. نرم افزار *درایة الحدیث النور*، نسخه‌ی ۲، قم، مرکز کامپوتری علوم اسلامی نور.
۲۳. نظریور، حامد و مرضیه دژفر (۱۳۹۸)، *بررسی و نقد تصویر دجال در دایرةالمعارف ایرانیکا*، فصلنامه انتظار موعود، ش ۶۴.
۲۴. Abel., Armand, (۱۹۸۶), "Dadjjal", encyclopaedia of Islam(EI۲), Edited by H. A. R. Gibb and others, New Edition, Brill, Leiden, v. ۲, pp. ۷۶- ۷۷.
۲۵. Algar, Hamid, (۲۰۱۱), "Dajjāl", Encyclopædia Iranica, edited by Ehsan Yarshater, Encyclopaedia Iranica Foundation, California, Retrieved December ۲۶, ۲۰۱۹, from <http://www.iranicaonline.org/articles/dajjal-the-great-deceiver-in-islamic-tradition-the-maleficent-figure-gifted-with-supernatural-powers-whose-advent-and-bri>.
۲۶. Robinson, Neal, (۲۰۰۱), "Antichrist", encyclopaedia of the Qur'an, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden, v. ۱, pp. ۱۰۷- ۱۱۱.
۲۷. Terry, miltons (۱۸۹۹): *The Sibyline Oracles*, USA: Cincinnati.